



## آینده سیاسی کوبا

شهرام کالجی

شماره ۱۹۰/۱۹۶ اسفند ۱۳۹۷ فوروردین ۸۷ کدش

۹۸

ویژگی‌ها و شرایط آن داشته باشیم. کاریزما یک واژه‌ی آلمانی است که معنای معادل آن در زبان فارسی را می‌توان "فره‌ایزدی" دانست. اساساً شخصیت کاریزما از جلوه‌ای متفاوت با قدرت ماورایی و غیر عادی برخوردار است که به او توانایی تاثیر گذاری شگرفی بر مخاطبان خود می‌دهد. در طول تاریخ در نقاط مختلف جهان شخصیت‌های کاریزماتیکی ظهور یافتند که تغییرات بسیار شگرفی را در عرصه اجتماعی و سیاسی به وجود آوردند که در حالت طبیعی امکان ایجاد آن از طریق عادی امکان پذیر نبوده است. صرف نظر از ایدئولوژی‌ها، اقدامات مثبت و منفی نظیر برقراری استقلال، انقلاب یا جنگ و نیز خطوط فکری، مذهبی و سیاسی، افرادی چون حسن صباح، امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران، مهاتما گاندی در استقلال هند، مائو در انقلاب چین، لنین در انقلاب شوروی، روسپیتر در انقلاب فرانسه، آدولف هیتلر در آلمان، چه گوارا و فیدل کاسترو در انقلاب کوبا را می‌توان نمونه‌های برجسته شخصیت‌های کاریزماتیکی در طول تاریخ دانست.

ویژگی مشترک تمامی شخصیت‌های کاریزماتیکی این است که جاذبه‌ی خاصی دارند و کلامشان بسیار نافذ و تاثیر گذار است و به طور ناخودآگاه افراد را جذب می‌کنند. افراد برای پیروی از او تصمیم نمی‌گیرند و فکر نمی‌کنند. به عبارت دیگر برای ملت، خود فرد کاریزما و شخصیتش بیش از فکر و اندیشه‌اش اهمیت دارد. افراد، درون شخصیت کاریزما حل می‌شوند و حاضر می‌شوند حتی جان خود را در راه رضایت و

اهداف وی فدا کنند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، از میان سه نوع رابطه مکانیکی، ارگانیکی و سبیرنتیکی، نوع رابطه میان شخصیت کاریزما و توده یک نوع رابطه مکانیکی است که به صورت سلسله مراتبی، از بالا به پایین و مراد و مریدی جلوه‌گر می‌شود. البته باید توجه نمود که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف این تاثیر گذاری و تاثیر پذیری متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال شخصیت فیدل کاسترو در کوبا و آمریکای لاتین کاریزماتیکی است، اما در جنوب شرق آسیا مطمئناً این گونه نیست.

پیدایش شخصیت کاریزما استثنایی است. در شرایط خاصی به وجود می‌آید. برخلاف دیگر معادلات سیاسی مانند کودتا، جنبش، انتخابات و یا جابه‌جایی احزاب سیاسی که با برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد، شخصیت کاریزماتیکی در یک شرایط استثنایی و بدون برنامه‌ریزی ظهور می‌کند. به طور کلی کاریزما فقط محصول انقلاب و انفجار مشارکت سیاسی توده‌هاست که تمام آمال و آرزوها و رهایی از مشکلات را در وجود کاریزما متجلی می‌بینند.

در جریان انقلاب کوبا که در ۱۹۵۸ منجر به سقوط باتیستا از قدرت گردید، باید شخصیت کاریزماتیکی رهبران انقلابی چون چه‌گوارا و فیدل کاسترو را مهمترین عامل در اتحاد توده‌ها، پیروزی انقلاب و مهمتر از همه تداوم آن دانست. بسیاری از تحلیل‌گران یکی از مهمترین دلایل تداوم

کناره‌گیری فیدل کاسترو از قدرت در کوبا به عنوان آخرین بازمانده از نسل رهبران انقلابی و کاریزماتیکی دوران جنگ سرد، می‌تواند منجر به بروز چالش‌هایی در درون جامعه کوبا و ساخت قدرت در این کشور شود که در ادبیات سیاسی از آن به عنوان "خلاء کاریزماتیکی" یاد می‌شود. در این نوشتار به صورت فشرده به چالش‌های احتمالی که ممکن است پس از تغییر ساختار قدرت در هاوانا صورت گیرد پرداخته می‌شود. در ابتدا لازم است تعریفی از یک شخصیت کاریزماتیکی

داد، بلکه ضربه‌ای سنگین بر دولت‌ها و جنبش‌های چپ در آمریکای لاتین خواهد بود.

در مجموع عواملی چون خلاء کارزماتیکی پس از کناره‌گیری و نهایتاً مرگ فیدل کاسترو، تفاوت در تأثیر گذاری بر جامعه نزد جانشین کاسترو، شروع دور تازه‌ای از اقدامات آمریکا در سازماندهی مخالفان در راستی طرح کوبا پس از کاسترو، شرایط بین‌المللی و جهانی شدن فرهنگ، اقتصاد و سیاست که هر روز عرصه را بر رژیم‌های ایدئولوژیک تنگ‌تر می‌کند در کنار تغییر نسل در کوبا که با تغییر نگرش و باورها نیز همراه است، می‌تواند چالش‌های جدی را در آینده سیاسی کوبا رقم زند.

در کنار عوامل یاد شده کافی است عوامل تحریک‌کننده‌ای مانند بحران اقتصادی و ناکارآمدی سیستم سیاسی و اقتصادی در پاسخگویی به مطالبات و نیازهای جامعه که منجر به ناکارآمد شدن ایدئولوژی حاکم و مشروعیت‌زدایی از آن خواهد شد (چون مشروعیت هر ایدئولوژی در کارایی آن است) و یا اختلافات سیاسی بر سر قدرت در خلاء ناشی از یک شخصیت کارزماتیکی می‌تواند به منزله‌ای تیر خلاصی بر رژیم کمونیستی کوبا تلقی شود. باید به انتظار آینده نشست و با بررسی تحولات و اقدامات صورت گرفته پس از کناره‌گیری کاسترو از قدرت به تحلیلی واقع‌بینانه‌تر و جامع‌تر درباره‌ی آینده سیاسی کوبا دست یافت.

بوروکراتیک، جامعه انقلابی وارد مرحله نهادسازی و توجه به مسایل مادی، اقتصادی و رفاهی می‌شود. نهایتاً در مرحله دموکراتیک، با فروکش کردن هیجانات انقلابی دوران کارزماتیکی و به لطف نهادسازی دوران بوروکراتیک، جامعه وارد مرحله عادی جابه‌جایی قدرت با حداقل هزینه و خشونت و با مشترکت و رقابت گسترده و فراگیر گروه‌های مختلف می‌شود. به عنوان مثال انقلاب شوروی پس از طی دوران کارزماتیکی لنین تا ۱۹۹۰ در مرحله بوروکراتیک خود متوقف شد و نتوانست وارد مرحله سوم شود. انقلاب چین پس از طی دوران کارزماتیکی ماو، دوران بوروکراتیک را از زمان دنگ‌سیائوپنگ در دهه ۱۹۷۰ شروع کرده است که تا به امروز ادامه دارد.

انقلاب فرانسه را باید نمونه موفقی در عبور از هر سه مرحله دانست.

در مورد کوبا می‌توان این گونه برداشت نمود که کاسترو به دلیل ۴۰ سال حضور مستقیم در عرصه‌ی قدرت (امری که سایر شخصیت‌های کارزماتیکی از آن برخوردار نبودند) موفق شده است بخشی از مرحله بوروکراتیک را نیز طی کند، اما مرحله‌ی نوین نهادسازی را باید پس از کناره‌گیری وی از قدرت به ویژه پس از مرگ وی دانست. مطمئناً از نظر تأثیر گذاری و انسجام بخشی به جامعه تفاوت بزرگی بین راتول کاسترو و فیدل کاسترو وجود دارد و

همین امر می‌تواند آینده‌ی ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی کوبا را دستخوش تغییر و تحول نماید.

از این رو واکنشگتن پس از ناکامی ۱۰ ریبیس جمهور آمریکا در براندازی دولت کاسترو و ۶۳۷ بار ناکامی در تهدید و یا اقدام به ترور علیه وی، نهایتاً در دوره‌ی جرج بوش پسر و حاکمیت نوحافظه‌کاران با تأمیدی کامل از بروز هر گونه تغییر و تحول در کوبا در دوران فیدل کاسترو، طرحی را با عنوان "کوبا پس از کاسترو" تهیه نمود تا بتواند پس از چهار دهه ناکامی با استفاده از مخالفان رژیم کمونیستی کوبا که عمدتاً در آمریکا استقرار دارند، جریان سیاسی در کوبا را در راستای سیاست‌های کلان واکنشگتن هدایت کند. اگر چنین روندی در کوبا رخ دهد تنها به چندین دهه ناکامی آمریکا پایان خواهد

حضور کاسترو در قدرت را حمایت اتحاد جماهیر شوروی از رژیم کمونیستی کوبا به ویژه در جریان بحران موشکی سال ۱۹۶۲ می‌دانند اما باید اشاره نمود که این تحلیل فقط در چارچوب مناسبات دوران جنگ سرد پذیرفتنی است و مطمئناً این تحلیل نمی‌تواند جوابگوی این سوال باشد که علت تداوم قدرت کاسترو تا ۱۷ سال پس از فروپاشی شوروی چه عاملی بوده است؟ در حالی که در تمام کشورهای اعمار شوروی به ویژه در اروپای شرقی، همزمان با فروپاشی شوروی شاهد سقوط رژیم‌های کمونیستی در انتهای دهه ۱۹۸۰ بودیم.

اگر چه عواملی چون برقراری یک ثبات سیاسی در قالب یک نظام تک‌حزبی فراگیر، کنترل مخالفان، اجرای برنامه‌های رفاهی و اجتماعی گسترده برای کل جامعه از طریق اعمال یک سوسیالیسم مردم‌گرایانه (نه سرمایه‌داری دولتی)، کاهش اختلاف طبقاتی، برخورداری از کادر رهبری یکدست از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی، بهره‌گیری مناسب و موثر از یک عامل تهدید خارجی یعنی ایالات متحده آمریکا در جهت یکپارچه ساختن افراد جامعه و عبور از مشکلات، اختلافات و تعارضات داخلی را می‌توان از دلایل ماندگاری کاسترو به مدت چهار دهه در قدرت برشمرد. اما بدون تردید مهمترین عامل را باید شخصیت کارزماتیکی کاسترو دانست که به او اجازه‌ی بهره‌برداری از عوامل پیش گفته را داده است.

در کنار نقاط مثبتی که یک شخصیت کارزماتیکی می‌تواند در بسیج توده‌ها برای رسیدن به اهداف بزرگی چون کسب استقلال سیاسی و انقلاب داشته باشد و نیرویی را در بین توده ایجاد کند که باعث یک جهش چشمگیر در روند حرکتی یک ملت شود، اما پاشنه آشیل یک سیستم سیاسی متکی به شخصیت کارزماتیکی پس از مرگ کاریزما یا کناره‌گیری وی روی می‌دهد که از آن به عنوان "خلاء کارزماتیکی" یاد می‌شود. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، ظهور کاریزما در یک روند عادی سیاسی و اجتماعی رخ نمی‌دهد. از این رو هیچ تضمینی وجود ندارد که بعد از مرگ کاریزما همان شرایط استثنایی برای ظهور شخصیت کارزماتیکی دیگری که بتواند همان روند تأثیر گذاری را تداوم بخشد، یک بار دیگر فراهم شود.

از این رو حامیان سیستم لیبرال دموکراسی، یکی از نقاط مثبت آن را گردش عادی قدرت و نخبان می‌دانند که جامعه در یک رویکرد سیستمی و قانونمند، کمترین فراز و نشیب را در حیات سیاسی خود طی می‌نماید و احزاب و تشکل‌های سازمان یافته و نیز تفکر سیستمی به جای فرد بر نظام سیاسی حاکم می‌شود.

اصولاً تئوریسین‌های مسایل انقلاب سه مرحله را بعد از پیروزی برای هر انقلاب در نظر می‌گیرند: کارزماتیکی، بوروکراتیک و دموکراتیک.

جامعه انقلابی در مرحله کارزماتیکی، مشکلات و نابه‌سامانی‌ها را در پرتو شخصیت کارزماتیکی تحمل می‌کند و یا به عبارتی دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد کاریزما به وی اجازه‌ی مدیریت و کنترل جامعه را می‌دهد. اما در مرحله‌ی

**شرکت تولیدی و مهندسی حرارت گستر**

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

دارای تأییدیه سفته سافت دیتک بخار و آب داغ از TÜV اتریش

**تولید کننده :**

دیگ بخار	فیلتر شنی
دیگ آب داغ و آب گرم	دی الکالیزر
دی اریاتور	فلاش تانک بخار
سختی گیر	جداکننده آب از بخار
منبع کوپل دار	جدا کننده هوا از آب
مبدل حرارتی	منبع کندانس

سای: تهران، طالقانی شرقی، شماره ۵۴۳ - صندوق پستی: ۱۵۲۷۱ - ۱۵۲۷۵  
تلفن: ۷۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۷۶۰۵۸۸۹ - ۷۷۶۰۴۵۳۱ فاکس